

بررسی رویکردهای تاریخی در مطالعات تمدنی

عبدالرضا ازهری^۱

چکیده

پژوهش حاضر با روش تحلیلی، به بررسی و تحلیل رویکرد تاریخی در مطالعات تمدن اسلامی می‌پردازد. در دوره معاصر، تمدن‌پژوهی اسلامی ماهیتی بین‌رشته‌ای یافته است و اگرچه رویکرد تاریخی نسبت به دیگر رویکردها کمتر مورد توجه بوده، اما از لحاظ اهمیت از دارای اهمیت فراوانی است و عموماً توسط مؤرخان به کار گرفته می‌شود. این تحقیق، پیشینه، مسائل و روش‌های این رویکرد را مورد کنکاش قرار داده است. یافته‌های بحث نشان می‌دهد که تمدن اسلامی پدیده‌ای چندوجهی و ذاتاً بین‌رشته‌ای است و رویکرد تاریخی تنها می‌تواند یک لایه از لایه‌های پیچیده آن را روشن سازد. هدف اصلی نگارش، نقد و تحلیل چگونگی کاربرد این رویکرد در عرصه مطالعات تمدن اسلامی است. در این تحقیق تلاش شده است تا با استفاده از روش تحلیلی، چگونگی کاربرد رویکرد تاریخی در مطالعات تمدن اسلامی مورد نقد و تحلیل قرار گیرد.

واژگان کلیدی:

تمدن اسلامی، تمدن پژوهی، مطالعات تمدنی، رویکرد تاریخی.

^۱ دانش پژوه دکتری تاریخ معاصر جهان اسلام، گروه تاریخ تمدن اسلامی، مجتمع تاریخ سیره و تمدن اسلامی، جامعه المصطفی العالمیه، پاکستان. رایانامه: abdolreza_azhari@miu.ac.ir.

مقدمه

رویکرد تاریخی به سنت اسلامی و اندیشه دینی، یکی از رویکردهای نوین در جهان اسلام است که در دهه‌های اخیر از سوی برخی اندیشمندان و جریان‌های فکری مورد توجه قرار گرفته است. هر جامعه رو به رشدی نیازمند نگاهی تاریخی به گذشته خود است تا با شناخت میراث و دستاوردهای نیاکان، راه دگرگونی و پیشرفت اجتماعی را هموار سازد. رویکرد تاریخی، پاسخی به شیوه تاریخ‌نگاری در حوزه تمدنی است. در این رویکرد که مبتنی بر دانش تاریخ است، کوشش می‌شود قرائتی نوین از تمدن و اندیشه اسلامی ارائه شود و با تحلیل گزارش‌های تمدنی از منظر تاریخی، به برداشتی تازه دست یافت. این رویکرد در پی آن است که با تسری آموزه‌ها و گزارش‌های تاریخی به تمدن اسلامی، به برداشتهایی ایدئولوژیک از تمدن برسد. نگرش آن از دریچه تاریخ آغاز می‌شود و به حوزه تاریخ‌نگری نیز توجه دارد. بدین سان، تحلیل جامعه و مسائل تمدنی بر پایه رویکرد تاریخی صورت می‌گیرد؛ به این معنا که تاریخ همچون چارچوبی برای تحلیل‌های تمدن اسلامی به کار گرفته می‌شود. در این رویکرد، هر دوره تاریخی و تمدنی دارای روح خاصی است که اندیشه‌ها و آموزه‌های تمدنی در بستر آن دیده و سنجیده می‌شوند. بیشترین آثار تمدن‌پژوهان با این رویکرد نگاشته شده و در پایان این بخش به معرفی برخی از مهم‌ترین آن‌ها پرداخته خواهد شد.

پیشینه رویکرد تاریخی

اعراب جاهلی درک درستی از پیوستگی زمان به عنوان مفهومی تمدنی نداشتند. اما مهم‌ترین عامل ترغیب مسلمانان به تاریخ‌نگاری و تاریخ‌آموزی، آموزه‌های قرآن و حدیث بود. بنابراین، آغاز پیدایش دانش تاریخ و تاریخ‌نگاری نزد اعراب را باید از همان ابتدای ظهور اسلام دانست. مسلمانان در مطالعات تاریخی خود، متأثر از آموزه‌های قرآن و حدیث، ابتدا به موضوع سیره و مغازی پیامبر پرداختند و سپس به دیگر موضوعات تاریخ‌نگاری روی آوردند. تاریخ، دانش گذشتگان یا حقایقی درباره گذشته است. تاریخ می‌تواند هر دو را دربرگیرد، به شرط آنکه رویکرد ما به آن تعریف‌شده باشد. تاریخ هم دانش گذشتگان است، زیرا زندگی نیاکان بر پایه باورها و دانش رایج زمان خود بوده، و هم دانشی درباره گذشته، زیرا هنگامی که به این دانش دست می‌یابیم، به دانش گذشته تبدیل می‌شود. شیوه کشف این دانش باید رویکرد تاریخی را نشان دهد. رویکرد تاریخی، روش‌مندی در تاریخ‌نگاری است.

به سخن دیگر، همیشه می‌توان به گذشته بازگشت و مجموع آگاهی‌ها تاریخ را می‌سازد، اما تاریخ‌نگاری نیست. تاریخ پدیده‌ای عینی و مستقل از ماست، اما تاریخ‌نگاری وابسته به تاریخ‌نگار است. از این رو، تاریخ‌نگاری روشی است که تاریخ‌نگار در دریافت خود از تاریخ بر آن تکیه می‌کند و این روش، رویکرد تاریخی را شکل می‌دهد.

نکته مهم دیگر در رویکرد تاریخی، دوره‌بندی تاریخی بر مبنای تحولات اجتماعی و فلسفی در دوران‌های گوناگون تاریخی و تمدنی است. باید توجه داشت که اصطلاح تمدن از قرن هجدهم و در عصر روشنگری پدید آمده، هرچند واقعیت آن از گذشته موجود بوده است و از آنجا که معنای تمدن با فرهنگ مترادف پنداشته شده است. بر طبق این نظر تمدن یا فرهنگ عبارت است از ترکیب پیچیده‌ای شامل علوم، اعتقادات و هنرها، اخلاق و قوانین و آداب و رسوم و عادات و اعمال دیگری که به وسیله انسان در جامعه به دست می‌آید. نمود جلوه‌های مادی فرهنگ و تجسم آن در شهرنشینی از دیگر معانی فرض شده برای تمدن است. با توجه به این نکته که مفهوم تمدن واقعیتی چندلایه و چندسطحی است، در بحث تمدن از رویکرد تاریخی می‌توان از رهیافت‌ها و رویکردهای متعدد بهره گرفت.

مسائل رویکرد تاریخی

تاریخ به معنای مشخص کردن و شناسایی زمان، در اصل واژه‌ای عربی است. این واژه مفهومی انتزاعی است که گاه ناظر به وقایع گذشته و گاه معطوف به مطالعه و بررسی آن‌ها اطلاق می‌شود؛ بنابراین، هم به علم تاریخ و هم به موضوع آن، تاریخ گفته می‌شود (مفتخری، ۱۳۹۱: ۱۳). اگرچه عموماً تاریخ را علم شناخت و تفسیر گذشته انسان‌ها در پرتو حال می‌دانند که بر اساس روش‌ها، گزینش‌ها و تفسیرهای مورخان به دست می‌آید (کار، ۱۳۵۱: ۴۴)، در واقع مقصود از تاریخ وقایع و حوادث گذشته است.

پاره‌ای از صاحب‌نظران تاریخ را بازتاب درگیری‌ها، تضادها و مبارزات جوامع مختلف بشری با یکدیگر می‌دانند و گاه در تعریفی کلی‌تر، تاریخ را نواری دانسته‌اند که همه درگیری‌ها، صلح‌ها، حوادث و دیگر مسائل جوامع روی آن ضبط شده است. در واقع تاریخ، اندیشه و تحقیق درباره رخدادها و مبادی آن‌ها و کندوکاوی دقیق برای یافتن علت آن‌هاست. تاریخ علمی است درباره چگونگی وقایع، موجبات و علل واقعی آن‌ها. به همین دلیل تاریخ از حکمت سرچشمه می‌گیرد و سزاوار است از دانش‌ها محسوب شود. حقیقت تاریخ، خبردادن از اجتماع انسانی، یعنی اجتماع

جهان و کیفیاتی است که بر طبیعت این اجتماع عارض است؛ چون توحش، همزیستی، عصبیت‌ها و انواع جهان‌گشایی‌های بشر و چیرگی گروهی بر گروه دیگر و آنچه از این اجتماع ایجاد می‌شود. با این نگاه، تاریخ مجموعه پدیده‌ها، واقع‌ها، روابط، طلوع و رشد و غروب تمدن‌ها نیز خواهد بود و هر آنچه با انسان و جامعه بشری همچون تمدن در ارتباط باشد در تاریخ ذکر شده است (جان احمدی، ۱۳۸۷: ۲۱).

تمدن‌پژوهی را می‌توان در قلمرو تاریخ تمدن‌های جهان در قالب رویکرد تاریخ توصیفی مورد توجه قرار داد. در این رویکرد، تاریخ توصیفی تمدن‌های جهان در وجه گزارشی و رویدادنگاری مطالعه و بررسی می‌گردد. در این رویکرد مطالعاتی، تمدن اسلامی به عنوان تمدنی عینی و بیرونی تحقق‌یافته در یک دوره تاریخی است که دارای عوامل و عناصری مانند سایر تمدن‌ها بوده و عناصر سبی و ایجابی در ظهور و افول آن نقش داشته‌اند. در رویکرد تاریخی، تمدن اسلامی دارای جوهر یا عناصر جاودانه نیست و در دوره‌های تاریخی پس از تمدن‌های روم و یونان باستان بررسی می‌شود. از نمونه‌های این نوع مطالعه تمدنی می‌توان به تاریخ تمدن ویل دورانت و تاریخ تمدن هنری لوکاس اشاره کرد. ویل دورانت و هنری لوکاس، تاریخ تمدن جهان را از آغاز تا سرانجام آن بر اساس مصادیقی عینی و تحقق‌یافته تمدن‌ها مورد مطالعه و پژوهش توصیفی قرار داده‌اند.

دکتر الویری در این باره می‌نویسد: «مطالعاتی که با رویکرد گزارش تمدن‌ها و دستاوردهای آن صورت می‌گیرد و به تاریخ نقلی شبیه است و هم در مرحله‌ی تحقیق از ساز و کار تاریخ نقلی و هم در مرحله‌ی ارائه گزارش تحقیق از شیوه و سبک تاریخ نقلی تبعیت می‌کند. نگاه به تمدن در این رویکرد، یک نگاه درونی است. این گونه مطالعات گاه خالی از تحلیل نیست، ولی به مرحله‌ی نظریه پردازی در زمینه‌ی کلیت تمدن نمی‌رسد. شاید بتوان از ویل دورانت به عنوان نمونه‌ای برای این دسته از مطالعات تمدن نام برد».

همو در ادامه می‌نویسد: «درباره‌ی تمدن اسلامی نیز می‌توان این دو نوع مطالعات را از هم بازشناخت. افرادی مانند آدام متر، هامیلتون گیب، گوستاو لوبون، فیلیپ حتی، آندره میکس، جرجی زیدان و گوستاو گرونباوم و در میان مسلمانان، علی الخربوطلی و دیگران بیش از آن که درباره‌ی تمدن اسلامی نظریه پردازی کنند با رویکردی تاریخی به گردآوری داده‌ها و گزارش‌های مربوط به این تمدن و بازگویی آنها پرداخته‌اند. البته نمی‌توان انکار کرد که هیچ گزارش تاریخی خالی از نظریه‌ها، مبادی و مبانی نظری نیست، ولی گاه مورخان وقت خود را صرف تبیین و بررسی این

مبانی می‌کنند و گاه بدون صرف وقت برای اینگونه مباحث، مستقیماً به سراغ نتایج نشأت گرفته از آن مبانی می‌روند» (همان، ۷).

در این رویکرد، هر دوره تاریخی یا تمدنی دارای روح خاصی است که در پرتو اندیشه‌ها و شرایط تاریخی و تمدنی خاصی پدید می‌آیند. پس باید هر فکر تمدنی و تاریخی را در بستر زمانی خود دید. مطابق چنین مبنایی، پژوهشگران به این نتیجه می‌رسند که ذات و اصل تمدن که فرضی عقلی و امکانی است، جز از خلال مطالعات به دست نمی‌آید. بر این اساس، تفسیرها و مطالعات متفاوتی به دست می‌آید، زیرا تاریخ و شرایط تمدنی امر ثابتی نیست.

توجه به این واقعیت نیز لازم است که «آگاهی تمدنی» که از آن با عنوان «الوعی الحضاری» یاد شده است، در رویکرد تاریخی قابل دسترسی بوده و چارچوب آگاهی تمدنی با آگاهی تاریخی پیوند دارد.

روش یا روش‌های رویکرد تاریخی

مطالعات تاریخی در روش، تابع گرایش‌ها و رهیافت‌های نظری تاریخی است که محقق و مورخ بدان وابسته است. با هر نگاه و از هر زاویه‌ای که به تاریخ و روش‌های مطالعاتی نگریسته شود، ثمرات ارزشمندی دارد؛ مانند تنوع تجارب انسانی و ماهیت تمدن، کسب دانش به‌منظور فایده‌آمدن بر مسائل پیچیده تحقیقاتی در علوم انسانی و حیات اجتماعی و نیز سهمی اساسی در تجربه آموزشی.

دقت در رویکرد تاریخی به خوبی بیانگر اهمیت، اعتبار، فایده‌مندی و علمیت تاریخ است. حتی اگر علمیت را به معنای تجربه‌پذیری و آزمودنی بدانیم نیز تاریخ از علمیت برخوردار است. البته ممکن است معیارها و موازین تجربه در تاریخ و روش آن دقیقاً همان روش و معیارهایی نباشد که برای علوم تجربی و طبیعی شناخته شده است.

در یک تقسیم‌بندی کلی، ماهیت تاریخ بر دو نوع قابل بخش‌پذیری است:

بخش نخست؛ تاریخ توصیفی که صرفاً به بیان و توصیف رویدادها و گزارش وقایع می‌پردازد و به علت و ریشه‌یابی رویدادها نمی‌پردازد. در این گونه تاریخ‌نگاری که مبتنی بر حادثه‌نگاری است از ثبت حوادث و پیشامدهای رخ داده در زندگی بشر، بی‌آنکه چند و چون و چگونگی و چرایی آن بررسی گردد، استفاده می‌شود.

بخش دوم؛ تاریخ تحلیلی است که علاوه بر توصیف رویدادها به ریشه‌یابی و علت‌پدیدار

شدن می‌پردازد. تاریخ تحلیلی، بررسی وقایع و پیشامدها، جستجوی علل و اسباب آن‌ها، تجزیه و تحلیل رخدادها و ارزیابی ژرفا و گستره زمانی و مکانی‌شان و همچنین نگرشی به آینده و پیامدها و ارزش آنچه به دنبال حوادث تاریخی خواهد آمد. فلسفه تاریخ نیز همان کشف قوانین و احکام به‌دست آمده از تاریخ تحلیلی و وقایع و حوادث تاریخی است (حضرتی، ۱۳۹۰: ۲۰).

در تحقیقات توصیفی یا تحلیلی، محقق به دنبال چگونه بودن موضوع است و می‌خواهد بداند پدیده، متغیر، شیء یا مطلب چگونه است. به عبارت دیگر، این تحقیق وضع موجود را بررسی می‌کند و به توصیف منظم و نظام‌دار وضعیت فعلی آن می‌پردازد و ویژگی‌ها و صفات آن را مطالعه و در صورت لزوم ارتباط بین متغیرها را بررسی می‌نماید.

روش تاریخی (Historical Method) فعالیتی است برای شناخت واقعیت‌های گذشته و یکی از دشوارترین انواع پژوهش است. این تحقیق وقایع مربوط به گذشته را مورد تعبیر و تفسیر و ارزیابی قرار می‌دهد. در این روش هدف این است که وقایع گذشته دقیق و درست شناسایی شوند تا وضع موجود بهتر درک گردد.

میراث رویکرد تاریخی

در رویکرد تاریخی، مطالعات تمدنی به نحوی مطلوب شناخته می‌شوند. یکی از اصول کلان یا ارکان اصلی فلسفه نظری تاریخ، انتخاب تمدن به عنوان واحد مطالعه تاریخی است. بسیاری بر این باورند که در حال حاضر به سختی می‌توان از مفهومی با عنوان تمدن اسلامی سخن گفت. در این نگاه، آنچه تمدن اسلامی خوانده می‌شود، در حقیقت ملت‌ها و کشورهای مسلمان‌نشین هستند که دائم درگیر اختلافات و کشمکش‌های بسیار می‌باشند. البته آن گونه که گفته شده: «موجودیت تمدن اسلامی و زنده بودن آن، بحث دامن‌داری است که پرداختن بدان، پژوهشی مستقل را می‌طلبد و خود دارای آسیب‌های بسیار است. برای مثال سهم‌خواهی‌ها در تمدن اسلامی، از آسیب‌های آن به شمار می‌آید. با این وصف که هر منطقه زبانی و نژادی درصدد برشمردن سهم خود از این تمدن است؛ بدون آن که پی‌گیر کلیت تمدن اسلامی و حفظ و بسط این کلیت باشند» (عالمی، ۱۳۸۹: ۷۸).

اما بررسی و تحلیل تمدن اسلامی نکته دیگری است که می‌توان درباره آن از زوایای مختلف سخن گفت. مطالعات تمدن اسلامی و بررسی محققان این عرصه یکی از مباحث مهم در این زمینه است که در این بخش به آن پرداخته می‌شود. البته این شیوه ابداع مسلمانان نیست و

بررسی و تحلیل تمدن اسلامی به روش کنونی در میان مسلمانان سابقه‌ای ندارد. با این حال مطالعات تمدن اسلامی و بررسی موجودیت آن، یکی از دغدغه‌های اصلی متفکران و دانشوران غربی و اسلامی در دوران معاصر است. در ادامه به بررسی دیدگاه‌های چند نفر از این متفکران در عرصه مطالعات تمدنی با رویکرد تاریخی پرداخته می‌شود.

فرهنگ و تمدن اسلامی

کتاب فرهنگ و تمدن اسلامی اثر واسیلی بارتولد است که در آن به تاریخ جهان اسلام می‌پردازد و جنبه‌های مختلف آن را بررسی می‌کند؛ البته بیشتر بخش‌های این کتاب بر ممالک شرقی به ویژه ایران تمرکز دارد (دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۳: ۱۱، ۴۳۲۸).

بارتولد کتاب «فرهنگ و تمدن مسلمانان» یا «تاریخ تمدن اسلامی» را در سال ۱۹۱۸ میلادی نگاشت. این اثر نگاهی کلی به فرهنگ و تمدن اسلامی دارد و نقش اسلام را در بنا و ساختار فرهنگ و تمدن دنیای اسلام بررسی کرده و نقش خلافت، تأثیر ایرانیان و نیز فتوحات معنوی در تمدن اسلامی و ایرانی مورد توجه قرار داده است. واسیلی ولادیمیرویچ بارتولد (م ۱۹۳۰م) یکی از بزرگ‌ترین خاورشناسان است که با اثر خود فرهنگ و تمدن اسلامی، اثری قابل فهم برای عموم محسوب می‌شود.

بارتولد در این کتاب بر وحدت فرهنگی جهان اسلام به رغم مشارکت ملیت‌های متفاوت با فرهنگ‌های گوناگون تأکید می‌کند و چنین رویکردی را در عصر حاضر نیز ضروری می‌داند. از طرف دیگر، در فصل مربوط به مغولان، بارتولد کوشیده است تا این نظریه را که جهان اسلام پس از ویرانی‌های ایجادشده به دست مغولان دیگر نتوانست درخششی داشته باشد، باطل کند و گزارشی جامع و قانع‌کننده از پیشرفت‌های علمی و فرهنگی جهان اسلام پس از حملات مغول به عنوان تأیید نظریه خویش ارائه کرده است. او گذشته از تألیفات علمی بزرگ و اساسی مانند «الغ بیگ و زمان او» و «میر علیشیر نوایی»، کتب علمی و در عین حال عامه‌فهم متعددی مانند «اسلام»، «تاریخ ترکستان» و همچنین رسالات تاریخی متعددی نگاشته است. در مجموع بیش از ۴۰۰ تألیف علمی از وی منتشر گردید و چند اثر نیز پس از مرگش به چاپ رسید.

کتاب فرهنگ و تمدن اسلامی ترجمه کتاب موجز و در عین حال عالمانه و پرفایده فرهنگ و تمدن اسلامی اثر خاورشناس برجسته روسی واسیلی ولادیمیر بارتولد است. عباس به‌نژاد اثر حاضر را از روی ترجمه انگلیسی این کتاب ترجمه کرده است. این اثر در واقع یک دوره تاریخ فرهنگ

و تمدن جهان اسلام از دوران پیش از ظهور اسلام تا قرون اخیر با توجه خاص به شرق اسلامی و به ویژه ایران است. بارتلد در این کتاب به جای شرح و توضیح وقایع تاریخی به گزارشی از آن‌ها اکتفا کرده است. ویژگی مهم این کتاب تأکید بر وحدت فرهنگی جهان اسلام به رغم مشارکت ملیت‌های متفاوت با فرهنگ‌های گوناگون و بیان اهمیت راه‌های ارتباطی و تماس‌های بین‌المللی در شکل‌گیری تمدن‌هاست.

موسوعه الحضاره العربیه الاسلامیه (دانشنامه تمدن عربی اسلامی)

یکی از آثار در حوزه مطالعات تمدن اسلامی، دانشنامه تمدن عربی اسلامی با عنوان «کتاب موسوعه الحضاره العربیه الاسلامیه» از حسن حنفی است. او از روشنفکران معاصر مصر است که سالیانی دراز از عمر خود را به تألیف آثار گوناگونی در حوزه اسلام و تجدد یا به تعبیر خودش «التجدید و التراث» (بازسازی و میراث) گذرانده است. مبانی نظری او برخاسته از مکاتب مختلفی است که در قالب رویکرد تاریخی تمدنی ارائه شده (آقاجانی، ۱۳۸۸: ۱۰۵).

حسن حنفی متولد ۱۹۳۵ میلادی در مصر، استاد فلسفه و از چهره‌های برجسته اسلام متجددانه و در واقع از نو معتزله است. حسن حنفی مؤسس جریان موسوم به «چپ اسلامی» است که رشته فلسفه را در دانشگاه قاهره گذراند و سپس در سال ۱۹۵۴ میلادی برای ادامه تحصیل به سوربن فرانسه رفت و در سال ۱۹۶۶ میلادی دکترای فلسفه را دریافت نمود. پس از بازگشت به مصر در سال ۱۹۶۷ میلادی به تدریس در دانشگاه مصر مشغول شد و همزمان تألیفات خود را در سطوح مختلف علمی تخصصی، فرهنگی و عمومی متمرکز ساخت. وی مدت مدیدی از عمر خود را به تألیف آثار گوناگونی در حوزه «اسلام و تجدد» و به تعبیر خودش «التجدید و التراث» گذرانده است. افزون بر کتاب موسوعه الحضاره العربیه الاسلامیه (دانشنامه تمدن عربی اسلامی)، کتاب دراسات اسلامیه (مطالعات اسلامی) در کارنامه علمی وی نیز دیده می‌شود.

حنفی یکی از متفکرانی است که به مطالعات تمدنی توجه نشان داده و با رویکردی تاریخی به بررسی تمدن اسلامی پرداخته است. درباره شیوه او گفته شده: «حنفی در رویکرد تاریخی و تمدنی خود برای هر دوره تاریخی و هر تمدنی روحی قائل است؛ به این معنا که اندیشه‌ها در شرایط تاریخی و تمدنی خاصی پدید می‌آیند و هر فکری، اندیشه‌ای تمدنی و تعبیری از روح عصر خویش است. میراث از نظر او تعبیری فکری از پدیده‌های هر عصر و تدوینی نظری از

ستیزهای فکری آن است؛ امری آسمانی نیست، بلکه تکوینی تاریخی و تطوری اجتماعی داشته و هیچ مقیاسی برای تشخیص نظری صواب و خطا در آن وجود ندارد و باید به دنبال ملاک‌های عملی نظیر فایده‌مندی رفت. رویکرد تاریخی حنفی با رویکرد مارکسیستی او پیوند خورده و تفسیری مادی از اصول بنیادی دین یعنی توحید، نبوت و معاد را رقم زده است. از مبانی و بنیادهای روش‌شناختی حنفی در تجدد و تراث، اومانیزم و سکولاریسم است؛ یعنی تغییر آن از محور خدا به محور انسان» (آقاجانی، ۱۳۹۴: ۱۱؛ مطهری نسب و سپاهی، ۱۳۹۷: ۱۰-۱۱).

یکی دیگر از محققان درباره شیوه حنفی می‌نویسد: «اندیشه‌ها در شرایط تاریخی و تمدنی خاصی پدید می‌آیند و دین در تمدن اسلامی تنها یک فرض عقلی و امکانی است که جز از خلال تفسیرهای تاریخی مفسران، وجودی ندارد. کتاب مقدس از خود سخن نمی‌گوید و از گذرگاه تاریخ است که اندیشه دینی به وجود می‌آید. بر این اساس، تفسیرهای دینی لزوماً مختلف و بعضاً متعارض و هر یک عکس‌العملی در برابر دیگری است، زیرا تاریخ و شرایط تمدنی امر ثابتی نیست» (مطهری نسب و سپاهی، ۱۳۹۷: ۱۰-۱۱).

روش‌شناسی اندیشه حنفی در مطالعات را این گونه تفسیر کرده‌اند: «روش تحقیق حنفی در مطالعات اسلامی و حتی غرب‌شناسی برخاسته از مبانی نظری او به‌خصوص رویکرد پدیدارشناختی است. رویکرد پدیدارشناسی همانند رویکرد تاریخی هم مبنا برای اوست و هم روش. آنگاه که کل اندیشه‌ها و تحلیل‌های او تحت تأثیر این دو است، به مبانی برای اندیشه‌های او تبدیل می‌شود، اما وقتی که از آن‌ها همچون روشی در تحلیل‌های موردی و موضوعی بهره می‌گیرد، نوعی روش محسوب می‌شود. او در این زمینه بسیار وامدار مکاتب و مفاهیم نظری و معرفت‌شناختی اندیشه‌های مدرن غربی بوده و علی‌رغم اینکه انگیزه اصلی خود را در مباحث تجدد و تراث، بازخوانی میراث از منظر خود معرفی می‌کند و مطالعه میراث از منظر غرب را از انحرافات مهم غرب‌زدگان می‌داند، خود از پیشگامان نگاه خود در آئینه دیگران بوده و آشکارا تفاسیر مادی، مارکسیستی و پدیدارشناختی خود از اسلام را به نمایش می‌گذارد» (آقاجانی، ۱۳۹۴: ۲۹-۳۰).

یکی از روش‌های حنفی در تحلیل جامعه و مسائل مربوط به آن «رویکرد تمدنی و تاریخی اوست که همچون چارچوبی برای تحلیل‌های او قرار می‌گیرد، تمدن دیروز، امروز و آینده، تمدن ما و تمدن غرب و مانند آن. به طوری که دو مفهوم کلیدی در ادبیات حنفی عبارت‌اند از: رویکرد تمدنی (الموقف الحضاری) و آگاهی تاریخی (الوعی التاريخی)» (همان، ۱۰۸).

در واقع «اسلام از دیدگاه حنفی پدیده‌ای تمدنی است که در تاریخ اتفاق افتاد و آنچه باید برای ما اهمیت داشته باشد منبع و منشأ اصلی اسلام نیست، بلکه اسلام به عنوان تمدن باید مورد توجه و بررسی ما باشد. در عین حال می‌گویند تلقی اسلام به عنوان پدیده‌ای تاریخی و تمدنی به معنای انکار وحی نخواهد بود» (مطهری نسب و سپاهی، ۱۳۹۷: ۱۱).

حنفی در رویکرد تمدنی خود «تمدن مسلمین را به مثلی تشبیه می‌کند که یک ضلع آن را میراث اسلامی، ضلع دوم را میراث کنونی غرب که در تعامل با میراث خودی است و ضلع سوم آن را واقعیت عربی معاصر می‌داند که محل جریان دو میراث خودی و غربی است» (آقاجانی، ۱۳۹۰: ۱۰۸).

البته بر روش حنفی اشکالاتی نیز گرفته شده، چنانکه گفته‌اند: «ایراد اساسی دیدگاه تاریخی حنفی این است که میراث اسلامی تنها مجموعه‌ای از تفاسیر قومی - ملی به تناسب شرایط متغیر زمانی نیست تا نیازهای عصری یا نسبیت فرهنگی و جغرافیایی موجب تغییر و تفسیر جدید از اصول دین مبین اسلام شود» (مطهری نسب و سپاهی، ۱۳۹۷: ۱۱).

اگرچه شیوه و روش مطالعات تمدنی حسن حنفی مورد توجه قرار گرفته اما نتیجه تحقیقات او که به پروژه تجدد و تراش حنفی مشهور است، چندان مورد استقبال قرار نگرفت؛ چرا که با نگاه تجدیدی او تمدنی از اسلام باقی نمی‌ماند.

درباره شیوه او گفته شده: «او رهیافت‌هایی را در تحلیل میراث اسلامی به کار گرفته و در رویکرد تاریخی و تمدنی خود در بررسی موضوع «میراث اسلامی و تجدد»، برای هر دوره تاریخی و هر تمدنی روحی قائل شده؛ به این معنا که اندیشه‌ها در شرایط تاریخی و تمدنی خاصی پدید می‌آیند و هر فکری، اندیشه‌ای تمدنی و تعبیری از روح عصر خویش است. حنفی با تمایز بین اسلام وحیانی و اسلام تمدنی و کنار گذاشتن اسلام وحیانی، در صدد پی‌ریزی مبنایی است تا در مقابل انکار برخی از بنیادی‌ترین اصول میراث اسلامی متهم به انکار وحی نشود؛ لذا به تاریخی بودن میراث روی می‌آورد. میراث از نظر او تعبیری فکری از پدیده‌های هر عصر و تدوینی نظری از ستیزهای فکری آن است؛ میراث امری آسمانی نیست، بلکه تکوینی تاریخی و تطوری اجتماعی دارد. رویکرد تاریخی حنفی با رویکرد مادی‌گرایانه او پیوند خورده و تفسیری مادی از نبوت و معاد را رقم زده است. او تمدن غرب را هم تمدنی تاریخی و مرکزگرای دانسته و در مقابل، تمدن اسلامی و آگاهی آن را ماهوی و مرکزگرا معرفی می‌کند که بر مبنای مرکزیت سلطه و قدرت به وجود آمده است» (همان).

البته همان گونه که مشخص است رویکرد تاریخی حسن حنفی با رویکرد مادی گرایانه او پیوند خورده و حتی به نوعی تفسیری مادی از نبوت و معاد را ارائه کرده که قابل پذیرش نیست ولی باید توجه داشت که رویکرد تاریخی در برخی مطالعات تمدنی بدون توجه به مسائل و اصول دین به چنین نتایجی منجر می شود.

بررسی تاریخ

کتاب بررسی تاریخ مشهورترین اثر توین بی است که در دوره دوازده جلدی آن به بررسی تاریخ جهان پرداخته و بیش از همه به فلسفه تاریخ نگاه نوین داشته و به همین جهت مطالعات تمدنی را نیز مورد توجه قرار داده است. ظاهراً این اثر تاریخ حجیم و پر مطلب در چند مرحله نگاشته و منتشر شده است.

آرنولد جوزف توین بی (متوفی ۱۹۷۵ میلادی) تاریخ دان، نظریه پرداز و تمدن پژوه مشهور انگلیسی است که در حوزه مطالعات فلسفه تاریخ و تمدن نیز شهرت دارد (ادواردز، ۱۳۷۵: ۳۱۳). وی را سرشناس ترین نماینده فلسفه تاریخ دانسته اند که «کوشیده به کشف قوانین حاکم بر بشر و تکامل تمدن ها پردازد و این کار را در متن نوعی بررسی تطبیقی جوامع مختلف انجام داده است» (همان). توین بی توسعه جوامع را چرخشی می داند.

روش توین بی در مطالعات تمدنی مهم است، درباره شیوه او گفته شده: «توین بی با رویکرد فلسفه تاریخ به مطالعات تمدنی ورود کرده است. توین بی از جمله اندیشمندانی است که از منظر فلسفه تاریخ به تحلیل تمدنی پرداخته است. یکی از اصول کلان یا ارکان اصلی فلسفه نظری تاریخ توین بی، انتخاب تمدن به عنوان واحد مطالعه تاریخی است. موضوع یا عنوان مورد بررسی توین بی در فلسفه تاریخ و قانون مندی تاریخ، به نوع بشر به طور عام، نه ملت و نه طبقه اجتماعی است، بلکه تمدن، تنها واحد مطالعه تاریخی برای کشف قوانین تاریخی حاکم بر جوامع است. او تمدن را تنها واحد قابل درک در مطالعه تاریخی می داند و از قانون حاکم بر تمدن ها، قانون حاکم بر کل تاریخ را استنباط و استخراج می کند» (مطهری نسب و سپاهی، ۱۳۹۷: ۱۶).

توین بی معتقد است تمدن ها دارای فرایند تکاملی مشخصی نیستند اما رویکرد و روند حرکتی آن ها تشابهی جدی با همدیگر دارد، به تعبیری روند حرکتی تمدن ها قاعده مند است. او معتقد است: «تمدن ها با تهاجم به وجود می آیند، با تهاجم رشد می کنند و با تهاجم نابود می شوند. اما تهاجم، تنها دلیل نابودی نیست. او البته این را نیز باور ندارد که تمدن ها براساس دوره های ثابت

و معین ظهور کنند، رشد یابند و از بین بروند» (موسوی، ۱۳۸۷: ۱۱۶؛ توین بی، ۱۳۵۲: ۱۶).
توین بی درصدد ارائه الگوی کلی برای تطورات تاریخی است و روش خود را روشی استقرایی می‌داند؛ اما در این باره گفته شده: «توین بی در بررسی فرایند تاریخی تمدن‌ها برای کشف قوانین حاکم بر تاریخ، بر روش استقرایی بسیار خام و ابتدایی مبتنی بر مبنایی تجربی عمل کرده است. او به طور کلی کوشید بر اساس ملاحظات و مطالعات تجربی خود، در مورد شناسایی بیست و چند گونه تمدنی، برای کشف قوانین کلی و جهان‌شمول اقدام کند. در این روش و شیوه، معیارهای مربوط به تعیین ماهیت و هویت تمدن‌ها، مبهم و نامشخص‌اند و موارد و نمونه‌های استنادی بسیار اندک و معدودند. شمار تمدن‌های بررسی شده، آن اندازه نبود که مبنایی برای تعمیم و قوانین کلی و قابل اطمینان به کار آید. توین بی که همواره از روش خود به عنوان روشی اساساً استقرایی نام می‌برد و با رویکرد علمی از آن یاد می‌کند، درصدد ارائه الگوی عام و فراگیر برای تطورات تاریخی بوده است» (میرمحمدی، ۱۳۸۹: ۱۴۸).

یکی از محققان در این باره می‌نویسد: «توین بی در فلسفه تاریخ و قانون‌مندی تاریخی به نوع بشر به طور عام، نه ملت و نه طبقه اجتماعی است، بلکه تمدن، تنها واحد مطالعه تاریخی برای کشف قوانین تاریخی حاکم بر جوامع است. او تمدن را تنها واحد قابل درک در مطالعه تاریخی می‌داند و از قانون حاکم بر تمدن‌ها، قانون حاکم بر کل تاریخ را استنباط و استخراج می‌کند» (مطهری نسب و سپاهی، ۱۳۹۷: ۱۶).

از نظر توین بی تمدن‌ها دارای فرایند تکاملی مشخصی نیستند اما رویکرد و روند حرکتی آن‌ها تشابهی جدی با همدیگر دارد، روند حرکتی تمدن‌ها تحت قاعده است و بر اساس آن می‌توان قانون‌مندی تاریخ را تحلیل کرد. از دید توین بی تمدن‌ها با تهاجم به وجود می‌آیند، با تهاجم رشد می‌کنند و با تهاجم نابود می‌شوند؛ اما تهاجم تنها دلیل نابودی نیست. او البته این را نیز باور ندارد که تمدن‌ها بر اساس دوره‌های ثابت و معین ظهور کنند، رشد یابند و از بین بروند (توین بی، ۱۳۵۲: ۱۶).

اگرچه عمده توجهات آرنولد توین بی به مباحث تمدنی به صورت عام است ولی در مباحث تمدن اسلامی نیز مطالعات و مباحث مختصری دارد. او درباره تمدن اسلامی معتقد است: «تعالیم اسلامی در ایجاد مساوات نژادی و جلوگیری از اعتیاد به مشروبات الکلی مفید است و یکی از نهضت‌هایی که در دامن تمدن اسلامی پرورش یافته، ممکن است در آینده به صورت یکی از ادیان بزرگ جهانی درآید. توین بی در تقسیم‌بندی و ارتباط تمدن‌ها با مذاهب، بهایی را با شیعه

امامی در یک ردیف آورده و اگرچه عنداللزوم از اسلام و تمدن اسلامی به عنوان یک دین و تمدن درجه دوم تمجید نموده، هر جا توانسته اسلام و مسلمانان را تخطئه نموده است» (خالقی، ۱۳۸۴: ۹۶).

موارد دیگری نیز از نظرات او درباره اسلام و تمدن اسلامی ارائه شده که در ادامه برخی از آن‌ها بیان می‌شود: «در حال حاضر پنج تمدن اصلی در جهان وجود دارد که چهار تمدن از آن‌ها به مرحله سقوط رسیده‌اند، یکی از آن‌ها تمدن اسلامی است. از قرن شانزدهم میلادی به بعد تمدن اسلامی نتوانسته است نوابغ بزرگی را در دامان خود بپرورد یا خدمت ارزنده‌ای به جهان بشریت انجام دهد. پیرامون نفوذ فرهنگ و تمدن غرب در جهان اسلام و ضعف زمامداران اسلامی، قیام‌ها و استدلال‌هایی به کار گرفته که دور از منطق و تجزیه و تحلیل علمی است. به جای بیان ضعف‌ها و بی‌لیاقتی‌های زمامداران اسلامی و تفرقه آن‌ها و تبدیل حکومت اسلامی به سلطنت، فرهنگ و تمدن اسلامی را متهم به ضعف و نداشتن عامل محرک اجتماعی می‌نماید. او جهان اسلام را از هر طرف در محاصره تمدن غرب می‌داند، و به عقیده او، این محاصره یک طرح از پیش آماده شده است؛ طرحی که قدرت اقتصادی آن پشتوانه قدرت نظامی است و از همه مهم‌تر، در مسائل معنوی و فرهنگی هم تفوق غرب کاملاً آشکار است. در چنین وضعیتی، مسلمانان دو واکنش از خود نشان می‌دهند: گروهی محافظه‌کار و گروهی متعصب خواهند شد. توبین‌بی گروه‌هایی از محافظه‌کاران و متعصبان را در عالم اسلام به عنوان نمونه ذکر می‌کند» (همان، ۹۷).

در مجموع باید او را در شمار متفکرانی دانست که از منظر فلسفه تاریخ به مطالعات تمدنی توجه نموده و تمدن اسلامی را نیز با رویکرد تاریخی و البته با نگاهی پر از اشتباه و نادرست نگریسته است.

کارنامه اسلام

کارنامه اسلام نام کتابی از دکتر زرین کوب است که این کتاب را نخستین بار در سال ۱۳۴۸ منتشر کرده و موضوع آن فرهنگ و تمدن اسلامی است. عبدالحسین زرین کوب (م ۱۳۷۸ ش) ادیب، تاریخ‌نگار، منتقد ادبی، نویسنده، و مترجم برجسته ایرانی است که آثار او به عنوان مرجع عمده در مطالعات مختلف مورد توجه است (زرین کوب، ۱۳۶۲: ۵).

اگرچه حوزه مطالعاتی او تاریخ اسلام است، اما او در مباحث تمدنی و به ویژه تمدن اسلامی

نیز با رویکرد تاریخی پیش رفته است. به طوری که در چهار کتاب به بررسی تاریخ اسلام پرداخته که عبارتند از: بامداد اسلام، کارنامه اسلام، دو قرن سکوت، و تاریخ ایران بعد از اسلام. زرین کوب در کارنامه اسلام درباره نگاهش به تمدن اسلامی چنین می نویسد: «تمدن اسلامی لا اقل از پایان فتوح مسلمین تا ظهور مغول قلمرو اسلام را از لحاظ نظم و انضباط اخلاقی، برتری سطح زندگی، سعه صدر و اجتناب نسبی از تعصب، و توسعه و ترقی علم و ادب، طی قرن های دراز پیشاهنگ تمام دنیای متمدن و مربی فرهنگ عالم انسانیت قرار داد. تمدن اسلامی ... بی شک یک دوره درخشان از تمدن انسانی است. فرهنگ اسلامی هنوز در دنیای حاضر تأثیر معنوی دارد و به جذبه و معنویت آن نقصان راه ندارد» (همان، ۵). او در این کتاب خواسته است با همان چشمی به فرهنگ گذشته اسلام بنگرد که خود مسلمانان گذشته بدان می نگرسته اند و این را در مقدمه کتاب آورده است.

این نویسنده در کتاب دو قرن سکوت دیدگاه متفاوتی دارد؛ اما باید گفت چون این کتاب را در دوره جوانی نوشته در واقع کتاب کارنامه اسلام را به جهت تصحیح نگاه خود در دوران شهرت و پختگی علمی نگارش نموده است.

به بیان محققان «دو قرن سکوت، محصول دوره جوانی بوده و البته اثری است که بیش از آثار دیگر وی زبانزد عام و خاص است و روایتی متفاوت با روایت کارنامه اسلام ارائه می دهد. در دو قرن سکوت بر دستاوردهای تمدن اسلامی در قرون نخست می تازد و ورود اعراب مسلمان را منشا نگون بختی ایرانیان می نامد و در روایت کارنامه اسلام به آن می بالد و این تلاقی را موجب باروری و شکوفایی دو تمدن می داند» (شوهانی، ۱۳۸۸: ۱۵۷). مقایسه این دو روایت از تمدن اسلامی و تناقض پیش آمده در اثر یک محقق خود نکته جالبی است که باید از منظر هرمنوتیک در تحقیقی مستقل پرداخته شود.

از جمله افرادی که بر آثار زرین کوب در باب نگاه او به تاریخ و تمدن اسلامی نقد وارد کردند، شهید مطهری در کتاب خدمات متقابل اسلام و ایران است که مقاله ای در نقد دو قرن سکوت نوشته و امروزه در مقدمه دو قرن سکوت منتشر می شود.

درباره کتاب کارنامه اسلام نیز باید گفت اگرچه گفته می شود زرین کوب این کتاب را به اشاره شهید مطهری و به جهت جبران دیدگاه های منفی خود در کتاب دو قرن سکوت و در موضوع نقش مسلمانان در توسعه تمدن بشری نگاشته؛ اما با دقت در این اثر مشخص می شود که وی دیدگاهی مبتنی بر برجسته سازی نقش ایرانیان در پیشبرد علوم بشری و پایه گذاری تمدن

اسلامی داشته است.

تاریخ تمدن و فرهنگ اسلامی

کتاب تاریخ تمدن و فرهنگ اسلامی اثر محقق معاصر محمدمهدی احمدی است که با رویکردی تاریخی به مطالعه تمدن اسلامی پرداخته است. نویسنده در دو بخش به بنیادهای معنوی و زمینه‌های تاریخی اسلام و آشنایی نظری با علل و عوامل پیدایش فرهنگ و تمدن اسلامی و علل انحطاط مسلمین پرداخته است.

در بخش نخست به تعریف برخی از مفاهیم پرداخته و موضوعاتی همچون تمدن اسلامی، علل و عوامل آن؛ عناصر سازنده تمدن اسلامی؛ تاثیر فرهنگ‌های ملت‌های پیشین در تمدن اسلامی؛ دآوری‌ها درباره تمدن اسلامی و ایرانیان و آسیب‌شناسی تمدن‌ها را مطرح کرده است. در بخش دیگری به موضوع جامعه‌شناسی عقب‌ماندگی پرداخته و مباحثی همچون عقب‌ماندگی و توسعه‌نیافتگی؛ علائم و ویژگی‌های عقب‌ماندگی؛ تاثیر تمدن اسلامی بر تمدن غربی و سرمایه فرهنگی و معنوی اسلام بیان شده است.

رویکرد اصلی این کتاب بر پایه تاریخی بوده و در این کتاب مهم‌ترین تحولات تاریخی در ایران زمین شامل ورود اسلام و اختلاط آن با فرهنگ و تمدن ایران و تاثیر متقابل این دو بر یکدیگر در سده‌های متمادی است.

هدف اصلی نویسنده از انتخاب و دنبال کردن این رویکرد بدین جهت بود که عناصر حیات‌بخش اسلامی را با فرهنگ ایرانی آمیخته نشان دهد و آن را فرهنگ ایران اسلامی بنامد. نویسنده در این کتاب معتقد است هرگونه تلاشی برای تفکیک دو هویت ملی و دینی، محکوم به شکست است و نسل سخت‌کوش و فرهیخته کنونی، با آگاهی از درهم‌تنیدگی این دو هویت، راه را بر کسانی که درصدد تقابل این دو حوزه هستند، خواهد بست.

پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران

کتاب «پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران» اثر دکتر ولایتی یکی دیگر از منابع مربوط به تمدن اسلامی است که با رویکرد تاریخی نگارش یافته است. علی اکبر ولایتی در این کتاب چهار جلدی سعی کرده نگاهی علمی و مستند به زمینه‌ها، اهداف و روند شکل‌گیری فرهنگ و تمدن اسلام و ایران داشته باشد. بنیادهای مفهومی و زمینه‌های تاریخی همچون عصر دعوت و فتوحات و زمینه‌های شکل‌گیری تمدن اسلامی به صورت مفصل شرح داده شده است. عمده

مطالب این کتاب به انتقال علوم و جذب دانشمندان به جهان اسلام و مراکز علمی در تمدن اسلامی مربوط است (ولایتی، ۱۳۸۶: ۱، ۲۳-۲۵).

نگارنده کتاب پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران معتقد است: تفاضل آنچه مسلمانان در قرن‌های دوم و سوم هجری از غرب گرفتند، با آنچه پس از قرون وسطا تحویل دادند، آن قدر زیاد است که می‌توان از «تمدن اسلامی» نام برد. وی در این کتاب نگاهی علمی و مستند به زمینه‌ها، اهداف و روند شکل‌گیری فرهنگ و تمدن اسلام و ایران دارد.

بیان تاریخی حوادث و دست‌آوردهای مسلمانان در دوره‌های مختلف رسالت اصلی این کتاب بوده که در رویکرد تاریخی خود تا حد زیادی موفق بوده؛ اما عدم تخصص مولف و ورود غیر دقیق در برخی موارد و مولفه‌های تمدنی را می‌توان از نواقص این کار برشمرد.

دکتر ولایتی معتقد است «بررسی تاریخ اسلام نشان می‌دهد که فرهنگ و تمدن اسلامی مسیری مضبوط و دقیق دارد و بر پایه منطقی قابل درک و بیان شدنی شکل گرفته که احتمالاً تبلور همان فلسفه تاریخ اسلام است و این تاریخ تکرار می‌شود و اگر منحنی آن را رسم کنیم، شاید در چند سده و چند هزاره به نقاط مشابه و تقریباً قابل انطباق برسد».

نویسنده در بخش‌های پایانی کتاب به تجدید بنای فرهنگ و تمدن اسلامی پرداخته و مباحث خود را با عنوان فرهنگ اسلامی در سایه بیداری و خیزش مسلمانان، در حال بازسازی خویش است، به خیزش تمدن نوین اسلامی توجه نموده است.

تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی

کتاب «تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی» اثر دکتر فاطمه جان احمدی است که با رویکردی تحلیلی تاریخی به بررسی ابعاد، مبانی، مراحل شکل‌گیری و توسعه تمدن اسلامی و ادوار مختلف آن می‌پردازد و از ماهیت و ساختار تمدن اسلامی و دوران اوج و افول آن سخن می‌گوید (جان احمدی، ۱۳۸۷: ۱۵، ۶۲).

نویسنده خود معتقد است: «نیاز روزافزون پژوهندگان و میراث‌بران تمدن اسلامی به فهم موضوعات تاریخی مرتبط با حوزه تاریخ تمدن و نیز تقاضای مرکز برنامه‌ریزی و تدوین متون درسی از این حقیر، نگارنده را بر آن داشت تا با ارائه یافته‌های تاریخی به خوانندگان و انتقال بخشی از میراث گذشتگان به ایشان، در این مهم به انجام وظیفه بپردازد. زیرا خطیرترین مسئولیت ما حفظ تاریخ گرانبهای فرهنگ و تمدنی است».

تمدن اسلامی که در طول چندین قرن، در جغرافیای جهان سیطره و در جهان اسلام مرکزیت داشته است و مسلمانان و نظام اسلامی در آن توانسته بودند با ظرفیت‌های مادی و معنوی خود موجب جریانات فکری و فعالیت‌های علمی و عملی متنوع بسیاری باشند. به تعبیری، تمدن را می‌توان در ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، در کنار ابعاد علمی و جلوه‌های مادی آن دید که این همان رویکرد تاریخی است.

شاید بتوان گفت این کتاب تا حد زیادی به رویکرد دینی نیز نزدیک است چنانکه نویسنده در معرفی ارکان و شاخصه‌های تمدن اسلامی می‌نویسد: «تمدن اسلامی که نمونه کامل تمدن دینی است، ویژگی‌هایی دارد که آن را از دیگر تمدن‌ها ممتاز می‌سازد. بیشتر این شاخصه‌ها به گونه‌ای برجسته در آموزه‌های قرآن کریم آمده است؛ زیرا قرآن مهم‌ترین منبعی است که می‌تواند به همه پرسش‌های بشر پاسخ دهد و آن‌ها را از رنج ندانستن رهایی بخشد». با این همه رویکرد اصلی این کتاب مطالعه تمدن اسلامی بر پایه رویکرد تاریخی است.

نتیجه‌گیری

تمدن‌پژوهی را می‌توان در قلمرو تاریخ تمدن‌های جهان در قالب رویکرد تاریخ توصیفی مورد توجه قرار داد. در این رویکرد، تاریخ توصیفی تمدن‌های جهان در وجه گزارشی و رویدادنگاری مطالعه و بررسی می‌گردد. در این رویکرد مطالعاتی، تمدن اسلامی به عنوان تمدنی عینی و بیرونی تحقق‌یافته در یک دوره تاریخی است که دارای عوامل و عناصری مانند سایر تمدن‌ها بوده و عناصر سبی و ایجابی در ظهور و افول آن نقش داشته‌اند. در رویکرد تاریخی، تمدن اسلامی دارای جوهر یا عناصر جاودانه نیست و در دوره‌های تاریخی پس از تمدن‌های روم و یونان باستان بررسی می‌شود.

از نمونه‌های این نوع مطالعه تمدنی می‌توان به تاریخ تمدن ویل دورانت و تاریخ تمدن هنری لوکاس اشاره کرد. ویل دورانت و هنری لوکاس، تاریخ تمدن جهان را از آغاز تا سرانجام آن بر اساس مصادیقی عینی و تحقق‌یافته تمدن‌ها مورد مطالعه و پژوهش توصیفی قرار داده‌اند. در این رویکرد، هر دوره تاریخی یا تمدنی دارای روح خاصی است که در پرتو اندیشه‌ها و شرایط تاریخی و تمدنی خاصی پدید می‌آیند. پس باید هر فکر تمدنی و تاریخی را در بستر زمانی خود دید. مطابق چنین مبنایی، پژوهشگران به این نتیجه می‌رسند که ذات و اصل تمدن که

فرضی عقلی و امکانی است، جز از خلال مطالعات به دست نمی‌آید. بر این اساس، تفسیرها و مطالعات متفاوتی به دست می‌آید، زیرا تاریخ و شرایط تمدنی امر ثابتی نیست. توجه به این واقعیت نیز لازم است که «آگاهی تمدنی» که از آن با عنوان «الوعی الحضاری» یاد شده است، در رویکرد تاریخی قابل دسترسی بوده و چارچوب آگاهی تمدنی با آگاهی تاریخی پیوند دارد.

فهرست منابع:

۱. آقاجانی، نصر الله، «نقد و بررسی رویکرد تاریخی و تمدنی حسن حنفی به اسلام و میراث اسلامی»، فصل‌نامه تاریخ اسلام، سال دهم، شماره ۴۰، زمستان ۱۳۸۸.
۲. ابن خلدون، مقدمه ابن خلدون، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ ق.
۳. ابن خلدون، مقدمه ابن خلدون، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۵ ش.
۴. ادواردز، پل، مجموعه مقالات فلسفه تاریخ، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۵ ش.
۵. بابایی، حبیب الله، پیوستگی در تمدن اسلامی (بررسی نظریه مارشال هاجسن)، فصلنامه علمی پژوهشی فلسفه و الاهیات، ۱۳۹۳ ش.
۶. بابایی، حبیب الله، پیوستگی کاوش‌های نظری در الاهیات و تمدن، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۳.
۷. بورلو، ژوزف، تمدن اسلامی، ترجمه اسدالله علوی، مشهد مقدس، موسسه چاپ آستان قدس رضوی، ۱۳۸۶ ش.
۸. پاک نژاد، سید رضا، اولین دانشگاه، آخرین پیامبر، یزد، بنیاد فرهنگی شهید دکتر پاک نژاد، ۱۳۶۱ ش.
۹. پهلوان، چنگیز، پنج گفتگو: تجدد، روشنفکران، تمدن ایرانی، مشارکت، دین، جامعه‌ی دینی، تهران، نشر عطائی، ۱۳۸۲.
۱۰. توین بی، آرنولد جوزف، جنگ و تمدن (چکیده‌ای از پژوهشی در تاریخ)، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳.
۱۱. توین بی، آرنولد، تمدن در بوته آزمایش، ترجمه ابوطالب صارمی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۲ ش.
۱۲. جان احمدی، فاطمه، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، نشر معارف، تهران، ۱۳۸۷.
۱۳. جمعی از نویسندگان، جستاری نظری در باب تمدن، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چ دوم، ۱۳۸۸.
۱۴. حضرتی، حسن، روش پژوهش در تاریخ شناسی، تهران، پژوهشکده امام خمینی و

- انقلاب اسلامی، ۱۳۹۰.
۱۵. خالق، رحمت الله، توین بی و آینده نامطلوب تمدن، بازتاب اندیشه، شماره ۶۹، ۱۳۸۴ ش.
۱۶. الخطیب، سلیمان، أسس مفهوم الحضارة فی الاسلام، قاهره، الزهراء للاعلام العربی، ۱۴۰۶ ق.
۱۷. دایرة المعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر سید کاظم موسوی بجنوردی، مرکز دائره المعارف بزرگ اسلامی، تهران، ۱۳۸۳.
۱۸. زرکلی، خیر الدین، الأعلام، بیروت، دار العلم للملایین، چ هشتم، ۱۹۸۹ م.
۱۹. زرین کوب، عبدالحسین، کارنامه اسلام، امیر کبیر، تهران، ۱۳۶۲.
۲۰. زیدان، جرجی، تاریخ تمدن اسلام، ترجمه علی جواهر کلام، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۲ ش.
۲۱. السکوت، حمدی، اعلام الادب المعاصر فی مصر، قاهره - بیروت، مرکز الدراسات الجامعیة بالجامعة الامریکیة بالقاهره و دار الكتاب المصری، ۱۴۰۳ ق.
۲۲. سوروکین، پی تیریم الکساندروویچ، نظریه های جامعه شناسی و فلسفه های نوین تاریخ، ترجمه اسدالله نوروزی، تهران، حق شناس، ۱۳۷۷.
۲۳. شوهانی، سیاوش، دو تاویل از یک تمدن: بازخوانی دو اثر عبدالحسین زرین کوب؛ دو قرن سکوت و کارنامه اسلام، مجله تاریخ و تمدن اسلامی، شماره ۱۰، ۱۳۸۸ ش.
۲۴. طوسی، خواجه نصیر الدین، اخلاق ناصری، تهران، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، ۱۳۸۷.
۲۵. عابدی جعفری، حسن، محمدسعید تسلیمی؛ ابوالحسن فقیهی، محمد شیخ زاده، «تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده های کیفی»، اندیشه مدیریت راهبردی، سال پنجم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۰ ش.
۲۶. عالمی، سید علیرضا، آسیب شناسی تمدن اسلامی مبتنی بر اندیشه های سید حسین نصر، نشر المصطفی، قم، ۱۳۸۹.
۲۷. فارابی، ابو نصر، آراء اهل المدینه الفاضله، بیروت، دارالمشرق، ۱۹۹۶ م.
۲۸. فرامرز قراملکی، احد، روش شناسی مطالعات دینی، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۰ ش.
۲۹. فروید، زیگموند، ملالت های تمدن، ترجمه محمود بهفروزی، تهران، جامی مصدق، چ دوم،

۱۳۹۷ش.

۳۰. کار، ای. اچ.، تاریخ چیست؟، ترجمه حسن کامشاد، تهران، خوارزمی، ۱۳۵۱ش.
۳۱. گولد، جولیوس و ویلیام ال. کولب، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه محمد جواد زاهدی و دیگران، تهران، انتشارات مازیار، ۱۳۷۶.
۳۲. محمودیان عطا آبادی، حمید و علیرضا بیابان نورد، بررسی تطبیقی نظریه تمدن از دیدگاه فوکوتساوا و مالک بن نبی، فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال هشتم، شماره دوم، ۱۳۹۷ش.
۳۳. مطهری نسب، مسعود و مجتبی سپاهی، کاربرد رویکرد شناسی در مطالعات تمدن اسلامی، فصلنامه تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، سال نهم، شماره ۳۰، بهار ۱۳۹۷.
۳۴. مفتخری، حسین، مبانی علم تاریخ. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، ۱۳۹۱ش.
۳۵. موسوی، سید جمال، توین بی و نظریه پیدایش و سقوط تمدن‌ها، سخن تاریخ، شماره ۲، ۱۳۸۷ش.
۳۶. مؤنس، حسین، الحضاره؛ دراسة فی اصول و عوامل قیامها و تطورها، الکویت، المجلس الوطنی للثقافة و الفنون و الآداب، ۱۴۱۹ق.
۳۷. میرمحمدی، سید ضیاءالدین، نقد و بررسی نظریه توین بی در فلسفه تاریخ، تاریخ اسلام در آینه پژوهش، شماره ۱، ۱۳۸۹ش.
۳۸. میکال، آندره، اسلام و تمدن اسلامی، ترجمه حسن فروغی، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، ۱۳۸۱ش.
۳۹. نصر، سید حسین، اسلام و تنگناهای انسان متجدد، انشاء الله رحمتی، تهران، دفتر پژوهش و نشر سهروردی، چ اول، ۱۳۸۳ش.
۴۰. نصر، سید حسین، تأملاتی درباره انسان و آینده تمدن، ترجمه مرتضی فتحی زاده، پژوهش های علوم انسانی (فصلنامه دانشگاه قم)، سال اول، شماره چهارم، ۱۳۷۹ش.
۴۱. نصر، سید حسین، جوان مسلمان و دنیای متجدد، ترجمه مرتضی اسعدی، تهران، طرح نو، چ پنجم، ۱۳۸۴ش.
۴۲. نصر، سید حسین، در غربت غربی (زندگی نامه خودنوشت دکتر سید حسین نصر)، ترجمه

- امیر مازیار و امیر نصری، تهران، انتشارات رسا، چ اول، ۱۳۸۳ ش.
۴۳. نصر، سید حسین، زمینه برخورد فرهنگ و تمدن ایران و غرب، تهران، انتشارات مجله یغما، ۱۳۵۲ ش.
۴۴. نصر، سید حسین، علم و تمدن در اسلام، ترجمه احمد آرام، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۴ ش.
۴۵. هانتینگتون، ساموئل پ.، تمدنها و بازسازی نظام جهانی، ترجمه: مینو سرتیپ احمدی، تهران، کتابسرا، ۱۳۸۰ ش.
۴۶. هانتینگتون، ساموئل، برخورد تمدنها و بازسازی نظم جهانی، ترجمه محمد علی حمید رفیعی، تهران، دفتر پژوهشهای فرهنگی، ۱۳۷۸.
۴۷. والرشاین، ایمانوئل، سیاست و فرهنگ در نظام متحول جهانی، ترجمه پیروز ایزدی، تهران، نشر نی، ۱۳۷۷.
۴۸. ولایتی، علی اکبر، پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۸۶.
۴۹. یوسفی اشکوری، حسن، شریعتی و نقد سنت، نشر یادآوران، چ اول، ۱۳۷۹ ش.